

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ اپریل ۲۰۱۹

"عقب نشینی" و یا تدارک "حملة بعدی"؟!

دوشنبه- ۱۹ حمل ۱۳۹۸ - کابل: هر چند من فرد نظامی نیستم و آشنائی چندانی هم با اصطلاحات و مفاهیم نظامی ندارم، با آنهم عنوان یادداشت امروز را به دو دلیل با کلماتی آغاز نمودم که بیشتر بار نظامی دارند، دلیل نخست، کاربرد بیش از حد بجا و بیجای این مفاهیم در ادبیات رسانه ئی امروز است، بدون آن که کسی به خود زحمت دهد این مفاهیم را آنطوری که بار معنایی آنها ایجاب می نماید توضیح دهد، مثلاً تفکیک و کشیدن یک خط فاصل بین عقب نشینی و فرارمفتضحانه که اردوی دولت پوشالی همیشه بدان تشبث ورزیده است و نکاتی که در اولی در نظر گرفته می شود و در دومی توان، ظرفیت، امکانات، وقت و گریزه در نظر گرفتن آن وجود ندارد؛ دومین علت بیرون کشیدن این مفاهیم از حصار ادبیات نظامی است، زیرا به نظر این قلم، این کلمات برخاسته از پراتیک اجتماعی انسان در ابعاد مختلف است و الزاماً می توانند در ابعاد مختلف کاربرد داشته باشند. در هر صورت با عبور برق آسا از مقدمه می پردازیم به اصل مطلب:

۱- این را می دانیم که طالب به موازات افزونی در زوربازویش و تصرف جغرافیای بیشتر و فتح ولسوالیهای زیادتیر، به اصل انحصار طلب خود برگشته، مخالفت خود را با هر نوع صحبت و شرکت در جلسه با دولت دست نشانده اعلام داشت.

۲- این را می دانیم که وقتی مسأله صحبت با طالب به صورت جدی مطرح شد، "غنی احمدزی" با یک چرخش ۱۸۰ درجه، خلاف روز های گذشته که می خواست جواب گلوله و بمب "طالب" را با پیشکش "آیس کریم" بدهد، دوپای را در یک موزه نمود، که صحبت بی صحبت، حتا کار را به جایی رسانید که صحبت با طالب را در حکم خیانت نیز اعلام داشت.

۳- این را هم می دانیم که وقتی سماجت "غنی احمدزی" در امتناع از صحبت با طالب به جایی نرسید و امریکا قادر شد در درون جواسیس خودش تیمی را علیه "غنی احمدزی" سازمان دهد، "غنی احمدزی" یک قدم عقب نشست، صحبت با طالب را با به رسمیت شناختن "زیر نظر و سرپرستی دولت افغانستان" گره زد، به عبارت دیگر اعلام داشت که وقتی در چنان مذاکراتی شرکت خواهد جست که به مثابه پیش شرط رهبری وی مورد پذیرش قرار گیرد.

۴- باز هم شاهد بودیم و دیدیم، زمانی که حنایش رنگ نگرفت، در یک حرکت فرار رو به جلو، مسألهٔ تدویر لویه جرگهٔ مشورتی را که حتا در همان قانون دست ساخت امپریالیسم هیچ جایگاهی ندارد، مطرح نموده شرکت در جلسات با طالب را به بعد از فیصلهٔ آن جرگه موکول نمود.

۵- وقتی این حنا "غنی احمدزی" نیز رنگ نگرفت، و متوجه شد که سازماندهی درونی جواسیس امریکا در حدی پیشرفت نموده که چه بخواد و چه هم نخواهد، عده ای در جلسهٔ بعدی با طالب در قطر شرکت خواهند نمود، ظاهراً از موضع قبلی خویش عقب نشینی نموده اعلام داشت که که هیأت مرکب از افراد به اصطلاح مستقل و دولت تشکیل شود تا با زبان واحد در جلسهٔ قطر شرکت ورزیده همه از آدرس دولت دست نشانده بدون آن که وارد مذاکرهٔ صلح با طالب بگردند، مواضع شان را در قبال اوضاع کنونی اعلام بدارند.

۶- این حرکت هرچند در ظاهر نمایانگر عقب نشینی "غنی احمدزی" و مجموع "باندارگ" است اما در واقعیت امر، عقب نشینی نبوده بلکه با "انداختن سنگ در دبه"، فشار را بالای طالب و شرکت کنندگان جلسه افزودی می بخشد. زیرا:

الف- در صورتی که طالب مانند گذشته اصرار بورزد که با نمایندگان دولت کابل نخواهند نشست و صحبت نخواهند کرد و روی حرف خود بایستند در واقع خواست "غنی احمدزی" را بر آورده خواهند ساخت. یعنی همان طوری که "غنی احمدزی" از اول می خواست صحبتی در میان نباشد، صحبتی صورت نخواهد گرفت.

ب- هرگاه طالب نشستن با نمایندگان مختلط و صحبت با آنها را به مشروط به آن سازد که هریک از موضع فردی خود صحبت نماید، گذشته از این که باز هم احتمال عدم تدویر جلسه باقی می ماند، به "غنی احمدزی" این امکان را می دهد تا صف متحد رقیبش "حامدکرزی" را شکستاده از تبارز جمعی آنها جلوگیری نماید.

پ- هرگاه چنان فیصله به عمل آید که اعضای شرکت کننده با تمکین به خواست طالب، کلاً به مثابهٔ افراد در جلسه شرکت بورزند، مگر اجندائی را که "باندارگ" تعیین نموده تعقیب نمایند، این امکان به وجود می آید که "غنی احمدزی" از اردوگاه رقیب کارمندان مجانی در خدمت خود استخدام نماید.

هموطنان گرامی!

با درک نکات فوق، تصور من بر آن است که حرکت فعلی "غنی احمدزی" یک فرار و حتا عقب نشینی بدون برنامه نبوده، بلکه تمهیدی است جهت حملهٔ بعدی. یعنی گامی به عقب برداشته تا دور تر خیز بردارد.

دیده شود چه می شود!!